**بسم الله الرحمن الرحیم [[1]](#footnote-1)**

**ملاحظات کلام محقق نائینی در جریان حکم ظاهری در اطراف علم اجمالی**

عرض شد که محقق نائینی در مبحث جریان حکم ظاهری در اطراف علم اجمالی در سه محور مطالبی را بیان فرمودند. چند ملاحظه نسبت به بیانات محقق نائینی هست که اشاره می‌کنیم.

**نکتۀ اول:** ایشان در قسمت اول کلامشان فرمودند اگر در اطراف علم اجمالی اماره قائم بشود امارات در اطراف علم اجمالی تعارض می‌کنند، مدلول مطابقی هر کدام با مدلول التزامی دیگری و تساقط می‌کنند نوبت می‌رسد به تنجز علم اجمالی، امارات حکم ظاهری ثابت نمی‌کند. اینجا به محقق نائینی عرض می‌کنیم این مدعای ایشان علی الاطلاق صحیح نیست و باید قائل به تفصیل بشوند.

**توضیح مطلب:** در مقدمۀ هفتم از مقدمات ورود به بحث اصل اشتغال ما اشاره کردیم علم اجمالی گاهی علم وجدانی است، من دیدم یک قطره خون افتاد، نمی‌دانم در کدام ظرف افتاد این علم وجدانی است، گاهی علم اجمالی ما علم وجدانی نیست خودش علم تعبدی است از امارات به دست می‌آید مثلا خبر واحد ثقه‌ای می‌گوید روز جمعه نماز جمعه واجب است، خبر ثقۀ دیگری می‌گوید نماز ظهر واجب است من علم اجمالی دارم یا نماز ظهر واجب است یا جمعه، خبری می‌گوید نمازت را قصر بخوان، خبر ثقۀ دیگری می‌گوید تمام بخوان علم اجمالی دارم یا قصر بر من واجب است یا تمام، بسیاری از موارد علم اجمالی خودش علم تعبدی است مؤدای امارات است.

به محقق نائینی عرض می‌کنیم اگر علم اجمالی ما علم وجدانی باشد نکتۀ شما درست است، امارات در اطراف تعارض می‌کنند و تساقط می‌کنند، نوبت به تنجز علم اجمالی می‎رسد، در علم وجدانی اینگونه است ولی اگر خود علم اجمالی شما هم از امارات استفاده می‌شد اینجا خود علم اجمالی که مؤدای اماره هست می‌شود طرف تعارض و تعارض بین سه اماره شکل می‌گیرد نه دو اماره، و همۀ آنها ساقط می‌شوند.

**مثال:** همین مثال مصطلح را ببینید فرض کنید بینه‌ای که اماره هست، شهادت داد یک قطره خون اینجا افتاد نمی‌دانم در ظرف اول یا ظرف دوم افتاد، بینه علم تعبدی است، بگو چنین است صدق العادل، در نتیجه زید علم اجمالی دارد که از بینه استفاده شده است یا ظرف اول نجس است یا ظرف دوم، علم مؤدای اماره و بینه است، یک بینۀ دیگر گفت قطرۀ خون در ظرف اول افتاد، یعنی ظرف اول نجس است و ظرف دوم پاک است، بینۀ دوم گفت قطرۀ خون در ظرف دوم افتاد ظرف اول پاک و ظرف دوم نجس است دو بینه معارض هم هستند خود علم اجمالی اینجا مؤدای بینه است او از تعارض خارج نیست او در داخل تعارض قرار می‌گیرد، گویا دو بینه مدلول التزامیشان این است این دو ظرف پاک است، بینه‌ای که علم اجمالی آورد یکی از این دو نجس است، او هم با اینها تعارض می‌کند عملا هر بینه تعارض می‌کنند و تساقط می‌کنند، نسبت به این ظروف باید به اصول عملی مراجعه کنیم.

در پرانتز عرض کنیم این مطلب هم باید روشن باشد در مؤدا و اطراف علم اجمالی اگر اماره در طرف واحد قائم شود، لامحاله جاری می‌شود و علم اجمالی را منحل می‌کند در این مسأله کسی تردید ندارد علم اجمالی داریم یکی از این دو ظرف نجس است، بینه می‌گوید قطرۀ خون در ظرف اول افتاد، بینۀ دیگری نداریم اینجا چون علم تعبدی داری آثار علم را بر او بار کن، بینه باعث می‌شود انسان بگوید ظرف اول نجس است متعینا علم اجمالی منحل می‌شود نسبت به مایع دیگر شک بدوی است اصل برائت جاری می‌شود هر چند اماره مدلول التزامی نداشته باشد.

**نکتۀ دوم:** محور دوم بحث محقق نائینی، ایشان فرمودند اگر اصل استصحاب که اصل تنزیلی است در اطراف علم اجمالی جاری بشود استصحاب هماهنگ با علم اجمالی باشد باز هم استصحابین جاری نیستند. بر خلاف محقق خوئی که دیروز گفتیم ایشان قائلند جاری است. محقق نائینی فرمودند مشکل به نظر ما این است که علم اجمالی می‌گوید یک واقع داری، یکی از این دو نجس است استصحابین می‌گوید آثار واقع را بار کن دو واقع داری یک واقع داریم وجدانا و آن دو تا می‌شود تعبدا این لونی از تنافی است و صحیح نیست لذا استصحاب اگر هماهنگ با علم اجمالی باشد جاری نمی‌شود.

عرض ما به محقق نائینی این است که مواردی داریم در فقه با اینکه همین محذور وجود دارد یک واقع وجدانی و دو واقع تعبدی، شما آنجا قبول می‌کنید و می‌گویید هیچ مشکلی ندارد چگونه در اینجا قبول نمی‌کنید و در آن موارد قبول می‌کنید. در حقیقت یک نقض جدی به محقق نائینی وارد است. به دو مثال دقت کنید.

**مثال اول:** شخصی محدث بود، آبی مردد بود که این آب پاک است یا نجس است، رفت با همین آب وضو گرفت، بعد از وضو دو تا شک پیدا می‌کند:

**شک اول:** آیا با این وضو متطهر شد رفع حدث شد می‌تواند نماز بخواند یا نه؟ محقق نائینی می‌فرمایند استصحاب بقاء حدث می‌گوید این مکلف محدث است، نماز نمی‌تواند بخواند حدث رفع نشده است. این یک نتیجه.

**شک دوم:** قبلا بدنش طاهر بود، با این آب وضو گرفت این آب مردد است که نجس است یا پاک، اگر آب نجس بوده بدن این شخص را نجس کرده است، آیا الان نجاست خبثیه بر بدنش هست و باید تطهیر بشود یا نه نجس نیست؟ محقق نائینی می‌فرمایند استصحاب بقاء طهارت جاری می‌کند از خبث می‌گوید بدنم پاک است، دو تا واقع را با استصحاب ملتزم است، اول محدث است باید وضو بگیرد، دوم بدنش پاک است، نجاست خبثیه ندارد نیاز به تطهیر ندارد در حالی که یک واقع بیشتر نیست، اجمالا می‌داند یا این آب نجس بوده است پس هم محدث است و هم بدنش نجس است یا این آب پاک بوده است هم وضوی او درست است هم بدنش طاهر است. شما به دو تا واقع ملتزم می‌شوید. می‌گویید متعبد باشد به اینکه محدث است وضو بگیرد ولی بدنش پاک است. شما چگونه به دو واقع متعبد می‌شوید؟

**مثال دوم:** زید قبل از ظهر ساعت یازده شک داشت وضو دارد یا نه؟ بعد غافل شد و نماز ظهر خواند بعد از نماز شک دارد نماز ظهرش درست است یا درست نیست، آیا وضو گرفت نماز خواند یا نه بدون وضو نماز خواند؟ اینجا قاعدۀ فراغ می‌گوید نماز ظهرش صحیح است، «کل ما شککت فیه فامضه کما هو» می‌گوید نماز ظهرش درست است نسبت به نماز عصر باید وضو بگیرد. اینجا تعبد به دو واقع است از طرفی می‌گوییم نماز ظهرش درست است ان شاء الله وضو گرفته بود، اگر وضو گرفته بود نماز عصر هم وضو نمی‌خواهد آن هم بدون وضو بخواند، می‌گویید متعبد باش به قاعدۀ فراغ که وضو داشتم نماز ظهرم درست است ولی برای نماز عصر باید دوباره وضو بگیرم یعنی محدثم، در حالی در واقع یا قبل از نماز ظهر وضو داشتم نماز ظهر درست و عصر هم بدون وضو درست است یا در واقع وضو نداشتم نه نماز ظهر درست است و برای نماز عصر باید وضو بگیرم. تعبد به دو واقع به خاطر جریان امارات با اینکه علم دارم یک واقع بیتشر ندارم چگونه در این موارد ملتزم به این معنا می‌شوید ولی در اطراف علم اجمالی می‌گویید اگر استصحاب موافق با علم اجمالی باشد جاری نمی‌شود، چون تعبد به دو واقع است در حالی که واقعا واقع یکی است. ادامه بحث خواهد آمد.

1. - جلسه یازدهم - مسلسل 129 – چهارشنبه – 2/7/1399 [↑](#footnote-ref-1)